



سیدمحمد حسینی بهشتی اصفهانی

شهید "آیة الله دکتز حسینی بهشتی" در دوم آبان ماه ۱۳۰۷ هـ. ش در خانواده‌ای روحانی و متدینی در **اصفهان** دیده به جهان گشود. پدر بزرگ مادرش مرحوم "حاج **میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی**" از مراجع و مجتهدین طراز اول عصر خویش به شمار می‌آمد. وی تحصیلاتش را در مکتب خانه و در سن چهار سالگی آغاز و به علت سرعت یادگیری به عنوان نوجوانی تیزهوش در بین خانواده و دیگران شناخته شد.
[۱] راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام دفتر اول (او به تنهایی یک امت بود)، ص ۶۹، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.

فهرست مندرجات

- ۱ - پدر و مادر
- ۲ - آغاز تحصیل
- ۳ - ورود به حوزه
- ۴ - عطش دانش
- ۵ - تدوین کتب درسی
- ۶ - نوید صبح
- ۷ - حرکت فرهنگی
- ۸ - سفر به آلمان
- ۹ - مهندسی انقلاب
- ۱۰ - تأسیس حزب جمهوری
- ۱۱ - تدوین قانون اساسی
- ۱۲ - در سنگر عدالت
- ۱۳ - در اوج مظلومیت
- ۱۴ - ویژگی‌های اخلاقی
- ۱۴.۱ - نماز اول وقت
- ۱۴.۲ - فروتنی
- ۱۴.۳ - حق‌پذیری
- ۱۴.۴ - نظم
- ۱۴.۵ - بردباری
- ۱۴.۶ - در خانه
- ۱۴.۷ - استفاده نکردن از بیت‌المال
- ۱۵ - خصوصیت بارز شهید بهشتی
- ۱۶ - آثار
- ۱۷ - شهادت
- ۱۸ - بانویس
- ۱۹ - منابع

پدر و مادر

پدرش از روحانیون **اصفهان** و **امام جماعت** مسجد لومبیل بود و به کارهای مذهبی مردم می پرداخت و برای تبلیغ و رسیدگی به **مسائل شرعی**، به روستاهای اطراف **اصفهان** می رفت و به فعالیت دینی، سخنرانی و بیان احکام مشغول بود و **نماز جماعت** اقامه می کرد و مشکلات آنان را برطرف می ساخت.
مادرش نیز زنی پاکدامن و پرهیزکار بود و در انجام **احکام شرعی** و **آداب اسلامی** دقت نظر داشت. این بانوی محترم دختر **حضرت آیة الله حاج میر محمد صادق خاتون آبادی** است. ایشان از مراجع بزرگوار و محققان صاحب نام بود.

آغاز تحصیل

کودکی چهار ساله بود اما با همسالان خود تفاوت داشت. اخلاق نیک او حکایت از آینده درخشانش می کرد. ایشان تحصیلات را در چهار سالگی در **مکتب خانه** ای آغاز نمود. خیلی

سریع خواندن و نوشتن و روحانی قرآن را فرا گرفت. تا اینکه بعدها به دبستان دولتی رفت و هنگامی که امتحان ورودی از او گرفتند گفتند باید به کلاس ششم برود ولی از نظر ما نمی تواند. بنابراین او را برای کلاس چهارم پذیرفتند. پس از آنکه تحصیلات دبستانی را به پایان رساند. در امتحان ششم ابتدایی شهر، نفر دوم شد. سپس به دبیرستان سعدی رفت و سال اول و دوم را در دبیرستان گذراند.

[۱۲] یادنامه شهید مظلومه، سید فرید قاسمی، ص ۱۷.

ورود به حوزه

در ۱۴ سالگی (۱۳۲۱ ش.) تحصیلات دبیرستان را نیمه تمام می گذارد و به یکباره مسیر زندگی اش عوض می شود و شوقی برای حضور در حوزه نور احساس می کند و به جرگه حوزویان در می آید تا با استفاده از فضای معنوی این پایگاه پاک، راه سعادت را در پیش گیرد و با مناجاتهای شبانه خویش در آن محیط روحانی، بتواند در هوای دوست پر و بالی بزند.

آقا سید محمد چهار سال در **حوزه علمیه اصفهان** به تحصیل **علوم دینی** پرداخت و در این مدت کوتاه با پشتکار فراوان و استعداد درخشانی که داشت دروسی را که باید در مدت هشت سال خوانده شوند، در مدت چهار سال به پایان رساند و در ۱۸ سالگی برای تکمیل تحصیلات عالی و به دست آوردن دانستیهای تازه به شهر مقدس قم عزیمت کرد تا در جوار پربرکت **حضرت فاطمه معصومه** علیه السلام و در محضر استادان گرانقدر، فیض کسب کند.

در **مدرسه حجتیه** در حجره ای ساده سکنی گزید و به درس و بحث مشغول گشت و با دوستانی چون **شهید مطهری** (ره) و **امام موسی صدر** آشنا شد و در مدت شش ماه بقیه دروس سطح (**مکاسب و کفایه**) را به پایان رساند و در سال ۱۳۲۶ در درس **خارج فقه و اصول** شرکت کرد. در همین سال با همفکری دوستانی چون **شهید مطهری** برنامه ای به منظور تبلیغ مذهبی در روستاهای دور افتاده، تنظیم کردند.

عشق دانش

هر چه که بیشتر می آموخت اندیشه او تشنه تر و عشق او به آموختن افزونتر می گشت. با اینکه در سال دوم دبیرستان تحصیلاتش را نیمه تمام گذاشته و به سوی حوزه شتافته بود، دوباره تصمیم گرفت که همزمان با دروس حوزوی، فراگیری دروس ناتمام گذشته را نیز ادامه دهد. با کوشش فراوان و استعداد سرشار خویش آن دو مسیر علمی را با هم ادامه داد، به طور که در سال ۱۳۲۷ موفق به اخذ دیپلم ادبی گشت و در همان سال وارد دانشکده منقول و معقول (الهیات و معارف اسلامی کنونی) شد و در رشته **فلسفه** به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته **فلسفه** شد.

ایشان پس از اخذ لیسانس از **تهران** به **قم** مراجعت نمود و در درس **خارج فقه و اصول** شرکت جست و به موجب علاقه فراوانی که با مباحث فلسفی و عقلی داشت در درس **اسفار و الهیات شفا علامه طباطبائی** حضور یافت و از شاگردان همیشگی آن درس به شمار می آمد و در شنبههای پنجشنبه و جمعه با **شهید مطهری** و دیگر دوستان جلسه گرم و پرشوری بر پا کردند که نتیجه آن به صورت کتاب ارزشمند «**اصول فلسفه و روش رئالیسم**» با پاورقیهای **شهید مطهری** تنظیم و منتشر گردید.

پس از پنج سال تحصیل و تدریس در شهر مقدس **قم**، در سال ۱۳۳۵ وارد دانشکده الهیات شد و تا سال ۳۸ در آن دانشکده مشغول تحصیل در دوره دکترا بود، ولی پس از اتمام تحصیل در آن دانشکده بخاطر فعالیت‌های چشمگیر فرهنگی، تبلیغی و سیاسی که در داخل و خارج کشور به عهده داشت، نتوانست از رساله دکتراي خویش را ارائه دهد و این امر به تأخیر افتاد. سرانجام در تاریخ ۱/۱۱/۱۳۵۳ رساله دکتراي خود را تحت عنوان «مسائل ما بعد الطبیعه در قرآن» با راهنمایی استاد **شهید مرتضی مطهری** ارائه و از آن دفاع کرد و موفق به اخذ دکترا در رشته **فلسفه** شد.

تکوین کتب درسی

زمانی که سردمداران وابسته به غرب بر آن بودند که **جامعه اسلامی ایران** را به یک جامعه مادی غربی تبدیل کنند و با گذشت زمان، دین را به دست فراموشی سپارند. در چنین دورانی حساس دکترا بهشتی با همکاری دکتر باهنر در بخش برنامه ریزی کتابهای وزارت آموزش و پرورش به تهیه و تدوین کتاب دینی برای مدارس اقدام کرد و از این طریق نگذاشت گرد غربت بر روی این گوهر گرانبها بنشیند و نسل جوان را به فرهنگ غنی اسلام آشنا ساخت.

[۱۳] یادنامه شهید مظلومه، سید فرید قاسمی، ص ۴۵.

نوید صبح

گسترده‌گی اندیشه‌اش میان امروز و فردا پیوند می زد. این اندیشمند ژرف بین برای آینده ای روشن برنامه ریزی می کرد و چاره این مهم را در ایجاد تحول در حوزه می دید. بدین خاطر در سال ۱۳۳۹ به فکر سازماندهی درست و دقیق برای حوزه افتاد و با همفکری دوستانش به این نتیجه رسید که باید تحولی اساسی توأم با نوعی برنامه ریزی اصولی انجام گیرد تا طلاب تحت یک برنامه منظم و مدون در آیند و در آینده برای جامعه مؤثر و مفید واقع شوند.

بدین منظور با همکاری **شهید قدوسی** (ره) و دعوت از اساتید بزرگوارای چون حضرات آیت **مشکینی**، **مصباح یزدی** و **جنتی** اقدام به تشکیل **مدرسه حقانی** نمودند و آن را به مثابه پایگاه مهمی برای تربیت طلاب متعهد و انقلابی قرار دادند.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز آن نهاد پاک که دکتر بهشتی و **شهید قدوسی** نشاندهند، به بار نشست و آثار مفید و مؤثری در این انقلاب عظیم داشت.

حرکت فرهنگی

در دوران زندگی **شهید**، فعالیت‌های فرهنگی مختلفی چه به صورت مقطعی و چه دراز مدت به چشم می‌خورد. از جمله فعالیت‌های مهم و بنیادین شهید، فکر سلمان دادن و اصلاح **حوزه علمیه قم** در زمینه شیوه تدریس و برنامه‌های آموزشی آن بود که نتیجه آن تدریس یک برنامه ۱۷ ساله برای تربیت طلاب جوان بود که بعداً اسس کار مدرسه حقانی شد.

[۱۴] یاران امام به روایت اسناد ساواک، س ش، ص ص.

از دیگر حرکت‌های فرهنگی مهم، اقدام به تاسیس دبیرستانی به نام «دین و دانش»، در **قم** بود که با همراهی جمعی دیگر و با مسوولیت مستقیم خود شهید اداره می‌شد؛ که نخستین تجربه علمی، آموزشی و پرورشی در یک محیط مذهبی بود. ورود به فرهنگ و فعالیت در این محیط و تملس با فرهنگیان، پیوند میان دانشجو و طلبه، برگزاری کلاس زبان انگلیسی برای طلاب،

[۱۵] نگاهی به زندگی و گزیده افکار شهید مظلوم آیه الله بهشتی، ص ۴۱.

تدوین کتاب‌های تعلیماتی دینی، عزیمت به **آلمان** و ایجاد مرکز اسلامی هامبورگ و ایجاد هسته اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان و... برخی از فعالیت‌های فرهنگی ایشان به شمار می‌آید؛ که البته در این مقاله مجال بازگویی همه فعالیت‌های ایشان است.

[۱۶] یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ش.

[۱۷] روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۳۶۲، ص ۱۲.

سفر به آلمان

در سال ۱۳۴۴ برای انجام رسالت تبلیغی به آلمان سفر کرد تا **امامت مسجد** و تکمیل ساختمان مسجد و اداره امور مسلمانان فارسی زبان و رسیدگی به دانشجویان **مسلمان** مقیم آنجا را به عهده گیرد.

وی در مسجدی که **آیه الله بروجردی** برای مسلمانان ساخته بود، مشغول فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی شد و با تشکیل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان فارسی زبان و «مرکز اسلامی هامبورگ» پایگاهی مهم برای جذب اندیشه‌ها و هدایت آنان به وجود آورد.

[۱۸] او به تنها یک ملت بود، واحد فرهنگی بنیاد شهید، دفتر اول، ص ۴۳.

البته فعالیت‌های ایشان در مدت پنج سال اقامت در آنجا منحصر به موارد یاد شده نبود، بلکه ایشان با تمام گروه‌ها ارتباط برقرار کرد و دامنه فعالیت‌هایش را در سطح اروپا گسترش داد.

مهندسی انقلاب

پس از آنکه **انقلاب اسلامی** گذرگاهها و فراز و نشیب‌های مهمی را پشت سر نهاد و خون هزاران **شهید** و **جانپاز** به ثمر نشست و **انقلاب اسلامی** در آستانه پیروزی قرار گرفت، **حضرت امام خمینی** (ره) آن روزها در پاریس پایه‌های حکومتی اسلامی را طرح ریزی می‌نمودند و بدین منظور شورای انقلاب را تشکیل دادند تا بتوانند قوانین کشور را بر طبق موازین **اسلام** و **قرآن** تنظیم نمایند. یکی از نخستین اعضای این شورا که از طرف **حضرت امام** (ره) انتخاب شد، دکتر بهشتی بود.

آیه الله بهشتی پس از مدتی به عنوان دبیر شورا انتخاب شد. این شورا در آن برهه حساس و سرنوشت‌ساز وظیفه مهمی را بر دوش داشت و منشاء خدمت فراوانی به **اسلام** و انقلاب گشت، بویژه اینکه در آن دوران - به خاطر آشفتگی بودن اوضاع و نبودن قوه مقننه - این شورا نقش قانونگذاری داشت و دو وظیفه مهم را انجام می‌داد: یکی تصویب قوانین مورد نیاز کشور و دیگری اجرای آن قوانین مورد نیاز کشور و دیگری اجرای آن قوانین که این نیز از سوی اعضای شورا یا افرادی که شورا انتخاب می‌کرد، انجام می‌شد.

مدتی نیز دکتر بهشتی از طرف شورای انقلاب به دانگستری رفت تا به بازسازی این تشکیلات قضایی بپردازد و فصلت انقلابی و متعهد را به کار گیرد حضور ایشان در این مورد نیز چون گذشته مؤثر افتاد.

تأسیس حزب جمهوری

در آن روزهای حساس و سرنوشت‌ساز انقلاب، در برابر آن همه حزب سیاسی منحرف، وجود یک تشکل اسلامی پیرو راه امام برای پاسداری از ارزشها ضروری بود. در آن زمان دکتر بهشتی که همواره معتقد به نظم و برنامه ریزی و تشکیلات بود، با صلاحدید **حضرت امام خمینی** (ره) در فروردین سال ۱۳۵۸ **حزب جمهوری اسلامی** را با همفکری و همکاری **مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای** و دیگر دوستان تأسیس کرد تا پایگاهی برای سازماندهی نیروهای مسلمان و متعهد و معتقد به **ولایت فقیه** باشد. آیه الله بهشتی تا هنگام **شهادت** به عنوان دبیرکل **حزب جمهوری اسلامی** انجام وظیفه می‌نمود.

[۱۹] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ تیر ۱۳۶۳.

تدوین قانون اساسی

پس از آنکه مجلس خبرگان توسط نمایندگان منتخب مردم، تشکیل شد دکتر بهشتی نایب رئیس **مجلس خبرگان** بود و بیشتر جلسات **مجلس خبرگان** به ریاست ایشان برگزار می‌شد. این مدیر دلسوز نظام، به رغم مشغله کاری فراوان، با تلاش و کوشش فوق العاده و با همفکری و همکاری یاران دلسوز امام و انقلاب، **قانون اساسی جمهوری اسلامی** را تدوین کردند؛ که به تأیید امام و تصویب امت رسید. **قانون اساسی** در واقع خونیهی **انقلاب اسلامی** بود.

یکی دیگر از اقدامات ایشان، روشن کردن جایگاه **ولایت فقیه** در این نظام مقدس بود. گرچه بعضی از **لیبرال** ها و **ملی‌گرایان** همچون **بنی صدر** خائن با آن مخالفت می‌کردند ولی آیه الله بهشتی با دلائل و براین مستند به مخالفان جواب می‌داد. و سرانجام اصل **ولایت فقیه** در مجلس تصویب شد.

در سنگر عدالت

پس از استقرار **جمهوری اسلامی**، **حضرت امام خمینی** (ره) مسئولیت دیوان عالی کشور (بالاترین مقام قضایی کشور) را در **اسفند** ماه ۱۳۵۸ به دست بلکفایت آیه الله بهشتی سپرد. [۲۰] **امام خمینی**، **صحیفه نور**، ج ۱۱، ص ۲۷۹.

تا برای این تشکیلات حیاتی که نقش مهم و تعیین کننده‌ای در جامعه دارد، زمینه اجرای **قوانین اسلام** با درک و درایت والای ایشان فراهم گردد و عدل و قسط در جامعه رواج یابد. ایشان نیز در طول مدت عهده داری این مسئولیت خطیر و شریف منشاء خیر و خدمت گشت و امور قضایی کشور را سر و سامان داد و آن را انسجام بخشید و با به کارگیری **قضاوت عادل** و عالم، نظام قضایی را دگرگون ساخت. آن همه تلاش بی وقفه او در این قوه فراموش نشدنی است و براستی که او مظهر **عدالت علوی** بود.

در اوج مظلومیت

در طول تاریخ، همواره اندیشه‌های بزرگ در عصر خویش ناشناخته مانده اند. چون همگام با عصر خویش به پیش نرفته و پا را فراتر از عصر و اندیشه گذاشته اند. در این برهه

شخصیت استثنایی آیه الله دکتر بهشتی نیز این چنین بود. این فرزانه بلندنگر تا هنگامی که در قید حیات بود، همچنان غریب و ناشناخته ماند. این در حالی رخ می داد که نمرودیان زمان - [امریکا](#) و [مناقین](#) - او را خوب شناختند و بخوبی می دانستند که او یکی از ارکان این نظام مقدس اسلامی است و نقش مهم و تعیین کننده ای دارد و باید از ایشان شروع کرد آنها وجود او را نیز مانعی در راه رسیدن به اهداف شومشان می دیدند و برای نیل به مقاصدشان اقدام به ترور شخصیتش نمودند و او را ابراهیم گونه در آتش سوزان تهمت‌ها افکندند و می خواستند با این شیوه این سد محکم را از مسیرشان بردارند و راهشان را هموار سازند تا به اهداف تاریکشان نایل آیند. البته طراح اصلی این برنامه [استعمار](#) بود و [مناقین](#) مجربین طرح بودند و [استعمار](#) نیز هدفش آن بود که [مشروطه](#) ای دیگر تکرار گردد. [مناقین](#) برای انجام این هدف [استعمار](#) ی، شخصیت دکتر بهشتی را نشانه گرفتند و با تهمتهایی چون [انحصار طلب](#)، سرمایه دار و ... سعی در خدشه دار کردن شخصیت ایشان داشتند و با این کارشان می خواستند او را از صحنه انقلاب خارج سازند. گرچه در واقع هدف [ترور شخصیت](#) دکتر بهشتی نبود، بلکه اینان زمینه را برای کنار زدن روحانیت فراهم می کردند. [۱۱۱](#) روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ تیر ۱۳۶۳؛ ۷ تیر ۱۳۶۹؛ ۱ تیر ۱۳۷۲.

این دل پاک و روح بلند هرگز در دفاع از خویشتن، شمشیر بیان از نیام برنکشید؛ اگر چه گذشت زمان از حقایق پرده برداشت و واقعیتها را روشن کرد.

ویژگی های اخلاقی

در این بخش به برخی از خصوصیات اخلاقی شهید بهشتی اشاره می شود:

← نماز اول وقت

یکی از ویژگیهای بارز آیه الله بهشتی، توجه فراوان به [نماز](#) بود هیچ گاه چیزی نمی توانست ایشان را از [نماز اول وقت](#) باز دارد. هنگام [نماز](#)، کارها را رها می ساخت و به سوی تکلم با خدا می شتافت و اگر چنانچه جلسه ای بود و موقع [نماز](#) فرامی رسید یادآوری می کرد که موقع [نماز](#) است، برای [عبادت خدا](#) خودمان را آماده کنیم.

← فروتنی

[شهید باهنر](#) درباره [تواضع](#) و [فروتنی](#) او چنین گفته است:

«خصلتهای ایشان ممتاز بود. ایشان در عین آن متانت و ابهتی که داشت - به لحاظ آن مقام و شخصیت - در عین حال، حالت [تواضع](#) و برخورد بسیار مؤدبانه ای پر از احسالی و عاطفه همراه با روان شناسی اصیل ژرف اسلامی داشتند. جلسات ایشان معمولاً همراه با صفا و نشاط بود و صداقت کاملی در قضاوتها و اظهار نظرهایشان به چشم می خورد، اعتماد می آورد و اطمینان می بخشید.»

[۱۱۲](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲.

← حق پذیری

از صفت نیک آن عالم ژرف اندیش پذیرفتن حق بود، حتی اگر به ضرر او تمام می شد. همین که می فهمید سخنی حق است، آن را می پذیرفت. و این بیانگر صفای روح آن اسوه [اخلاق](#) است.

[۱۱۳](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۴.

← نظم

از دیگر خصوصیات اخلاقی ایشان تواضع و نظم ایشان بود؛ به عنوان نمونه حتی هیچگاه جلوتر از خواهر بزرگتر خود حرکت نمی کرد

[۱۱۴](#) تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۶۶، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیه الله دکتر بهشتی، ۱۳۸۶، انتشارات مستند. و آنقدر مقید به نظم بود که در ایام تعطیل که وقت مخصوص جهت رسیدگی به امور [خانواده](#) بود، درخواست دیدار مسئولین کشور و یا میهمانان خارجی با ایشان را رد می کرد و یا اینکه دقت خاصی جهت فکر کردن اختصاص داده بودند.

[۱۱۵](#) تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۱۰۰.

زندگی او سراسر [نظم](#) بود و موفقیت چشمگیرش بیشتر در گرو نظم بوده و بدین وسیله این مسیر را با موفقیت پیموده است. همسر ایشان در این باره می گوید «دکتر بسیار منظم بودند، هر چند ایشان یک مرد سیاسی بودند و در جلسات زیاد شرکت می کردند، چیزی که من از وی به یاد دارم این است که امکان نداشت دیرتر از موقع مقرر در جلسه ای حاضر شود و به هر وسیله ای که بود در ساعت مقرر خودش را به محل مورد نظر می رساندند. وی می گفت «ما تا نظم در کارهایمان نداشته باشیم، نمی توانیم کارهای مملکت را پیش ببریم.»

[۱۱۶](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۳.

← بردباری

از دیگر صفت پسندیده آن گوهر گرانبها، [صبر](#) در مقابل ناملامت بود. هر گاه با مشکلی مواجه می شد عصبانی نمی گردید، بلکه با [صبر](#) و [متانت](#) آن را حل می کرد. همسر ایشان می گوید:

«من خصوصیتی را که از ایشان در مدت ۲۹ سال زندگی دیدم، ملائمت و [صبر](#) بود. ایشان به قدری صبر و ملائمت و [متانت](#) به خرج می داد که انسان را خجالت زده می کرد. در سرتاسر زندگی این مرد مبارز و با تقوا حتی یک مورد عصبانیت بی مورد به یاد ندارم.»

[۱۱۷](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۳.

در کارهای خانه به همسرشان کمک می کرد و به درس بچه ها رسیدگی جدی می نمود. از وضع درسی و مشکلاتشان می پرسید و به آنها کمک می کرد. به دلیل نظارت ایشان در منزل [اسراف](#) و استفاده بی حد و حصر کمتر مشاهده می شد، برای ساخته شدن بچه ها به آنها پول به عنوان [قرض الحسنه](#) می داد تا از حقوق ماهیانه آنها، که معادل ده برابر ستنشان بود، کم کند. در تربیت بچه ها، نه آنها را بی بند و بار و لوس بار می آورد و نه خشن و بسیار جدی. شوق به [نماز](#) و [روزه](#) و دیگر [واجبات](#) را در بچه ها به طور اختیاری ایجاد می کردند.

[۱۸] مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۵.

← استفاده نکردن از بیت المال

خصوصیت قابل توجهی که از شهید دیده می شود، توجه ایشان به نحوه درآمد و تامین مخارج زندگی بود. ایشان هرگز از [بیت المال](#) برای گذران زندگی استفاده نکرد؛ بلکه از راه [تدریس](#)، ارتزاق می نمود. حساسیت ایشان در این مساله به اندازه ای بود که در دوران اشتغال، تدریس در دبیرستان، دبیر تعلیمت دینی نمی شد؛ زیرا معتقد بود که بر عهده گرفتن آموزش تعلیمت دینی، خود به خود از وظایف روحانی است و به جای آن دروس دیگر از جمله [زبان انگلیسی](#) تدریس می نمود.

[۱۹] یاران امام به روایت اسناد ساواک صد، صر.

خصوصیت بارز شهید بهشتی

از خصوصیت بارز شهید عمل به وظیفه و [استقامت](#) در مسیر خدمت بود. جمله معروف ایشان که «ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت»، بیانگر عینی مطلب است. ایشان در این مسیر در مقابل همه اتهامات و اهانتها سکوت اختیار کرد و فقط به انجام وظیفه مشغول بود و همین سر مظلومیت «شهید بهشتی» بود. «بنی صدر» و طرفداران او با آن همه انتشار شایعت بر علیه ایشان و تخریب شخصیتی او، نتوانستند در [عزم](#) او خللی وارد کنند و به راستی مصداق آیه شریفه «کانهم بنین مرصوص»

[۲۰] صف/سوره ۶۱، آیه ۴.

بود.

او دفاع از خود را با استناد به آیه کریمه «ان الله يدافع عن

[۲۱] حج/سوره ۲۲، آیه ۳۸.

الذین آمنوا) به [خداوند](#) واگذاشته بود و حتی در جواب کسی که از او خواست تا از «امام امت» تائیدیهای به نفع خود بگیرد، گفت: «قرار نیست در مشکلات از امام هزینه کنیم، ما سپر بلائی اوئیم نه او سپر بلائی ما»

[۲۲] تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۹۲.

و خداوند متعال هم، چنان آبرویی به این شهید مظلوم (اشاره به لقب مظلوم که توسط [حضرت امام](#) رحمه الله علیه به ایشان داده شد) داد که همگان بعد از فاجعه هولناک هفت تیر ۱۳۶۰ هر ش که منجر به شهادت ایشان و ۷۲ تن از مخلص ترین یاران امام و [انقلاب](#) شد، در حسرت از دست دادن این عباى عزت (اشاره به رویای امام امت که در خواب دیده بودند عبايشان سوخته است. بعد از آن به شهید بهشتی سفارشی کردند که مواظب جان خود باش چرا که شما عباى من هستيد.)

[۲۳] تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۹.

و اقتدار امام به سر می بردند.

[۲۴] امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۷۸، چلپ اول.

آثار

ایشان در عرصه قلم نیز برجستگی داشت و به رغم فعالیتهای گسترده و مسئولیتهای فراوانی که عهده دار بود، در زمینه نویسندگی نیز موفقیت خوبی داشته است. آثار قلمی ایشان از دو جهت حایز اهمیت است:

۱. با توجه به اهمیت موضوع به رشته تحریر در آمده است؛ همچون «نماز چیست؟» از آنجا که [نماز ستون دین](#) است و قوام ایمان بر این پایه استوار است و پذیرفتن اعمال، به این مهم بستگی دارد و بالاخره نردبانی برای رسیدن به بام بلند بنگی است.
۲. با توجه به ضرورت موضوع نگارش یافته است. ایشان با توجه به شرایط زمان و مکان و بر اساس نیاز جامعه - و نه در یقین - در زمینه معینی به تحقیق و تألیف پرداخته و به منظور تفنن چنین کاری انجام نداده است. مثلاً درباره مسأله بانکداری اسلامی، که یک بحث مهم و مورد نیاز جامعه ماست و کمتر بدان توجه شده است کتابی در این زمینه می نگارد و از نظر اسلام به بررسی مسأله می پردازد. آثار چلپ شده ایشان عبارتند از:

۱. خدا از دینگاه [قرآن](#)

۲. نماز چیست؟

۳. شناخت

۴. شناخت دین

۵. نقش دین در زندگی انسان

۶. کدام مسلک؟

۷. روحانیت در [اسلام](#) و در میان مسلمین

۸. مبارزه پیروز

۹. بانکداری و قوانین مالی در اسلام

۱۰. مالکیت

برخی دیگر از آثار ایشان هنوز چاپ نشده است و شورای لحيای آثار آن بزرگوار در تلاش است که در آینده آن آثار را که اکنون به صورت نوار سخنرانی موجود است، منتشر سازد.

او مثل همیشه با تبسمی بر لب، قبل از غروب به دفتر مرکزی **حزب جمهوری اسلامی** آمد و در جلسه اعضای **حزب جمهوری** شرکت کرد. جلسه با **قرائت قرآن** که روحها را با ملکوت پیوند داد، آغاز شد و پس از تلاوت قرآن، سخنرانی قافله سالار شهدای هفت تیر شروع شد، که ناگهان دست نفاق - **سازمان مجاهدین (منافقین)** خلق - از آستین شب بدر آمد و در شبانگاه هفتم تیر، تبری روانه **انقلاب اسلامی** کرد که بر اثر آن آیه الله بهشتی (در ۵۳ سالگی) و بیش از هفتاد یار باوفایش به درجه **شهادت** نایل آمدند و با هجرتی خونین و پروازی سرخ در کنگره عرشین جای گرفتند و خاکبان را در سوگ و افلاکیان را در سرور نشانند.

آن زمینین قدسی را پس از **تشییع** با شکوه و تجلیل فراوان، در **بهشت زهرا** به خاک سپردند.

۱. [↑](#) راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام دفتر اول (او به تنهایی یک امت بود)، ص ۶۹، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
۲. [↑](#) یادنامه شهید مظلومه، سید فرید قاسمی، ص ۱۷.
۳. [↑](#) یادنامه شهید مظلومه، سید فرید قاسمی، ص ۴۵.
۴. [↑](#) یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ش، ص ص.
۵. [↑](#) نگاهی به زندگی و گزیده افکار شهید مظلوم آیه الله بهشتی، ص ۴۱.
۶. [↑](#) یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ش.
۷. [↑](#) روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۳۶۲، ص ۱۲.
۸. [↑](#) او به تنها یک ملت بود، واحد فرهنگی بنیاد شهید، دفتر اول، ص ۴۳.
۹. [↑](#) روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ تیر ۱۳۶۳.
۱۰. [↑](#) امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۷۹.
۱۱. [↑](#) روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ تیر ۱۳۶۳؛ ۷ تیر ۱۳۶۹؛ ۱ تیر ۱۳۷۲.
۱۲. [↑](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲.
۱۳. [↑](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۴.
۱۴. [↑](#) تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۶۶، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیه الله دکتر بهشتی، ۱۳۸۶، انتشارات مستند.
۱۵. [↑](#) تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۱۰۰.
۱۶. [↑](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۳.
۱۷. [↑](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۳.
۱۸. [↑](#) مجله مرزداران، سال دوم، ش ۲۲، ص ۱۵.
۱۹. [↑](#) یاران امام به روایت اسناد ساواک صد، صر.
۲۰. [↑](#) صف/سوره ۶۱، آیه ۴.
۲۱. [↑](#) حج/سوره ۲۲، آیه ۳۸.
۲۲. [↑](#) تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۹۲.
۲۳. [↑](#) تولائی، مجید، صد دقیقه تا بهشت، ص ۹.
۲۴. [↑](#) امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۷۸، چپ اول.

[سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «شهید آیت الله سید محمد حسینی بهشتی».](#)
[سایت بزو هه، برگرفته از مقاله «شهید بهشتی».](#)

رده‌های این صفحه: [مقالات اندیشه قم](#) | [مقالات بزو هه](#) | [یاران امام خمینی](#)